

همسر صیاد در این فیلم، همسر حقیقی شما بود. او لا اینکه چطور این انتخاب اتفاق افتاد و دوم چقدر این انتخاب به القای حس های مورد نظر به مخاطبان موثر بوده است؟

خانم بنی آدم بازیگر بسیار توانمندی است و علاوه بر تکنیک، بازیگری حسی هم هست و در مدتی که وارد این عرصه شد اتفاقات خوبی برایش افتاده است. در دو فیلم سینمایی آخری که بازی کرد نامزد سیمرغ فجر شد و یک بار هم سیمرغ جشنواره را دریافت کرد. توانایی او در سینمای کشور مشخص است ضمن اینکه او در زمینه انتخاب نقش ها هم بسیار حساس است و فیلمنامه را دو بار مطالعه می کند. حدود یک ماه از پیش تولید صیاد گذشته بود که آقای جواد افشار پیشنهاد بازیگری نقش همسر صیاد را به خانم بنی آدم مطرح کرد و خواست این موضوع را در ابتدا من به او منتقل کنم. با این حال چون نقش ایشان در این فیلم کم بود و فیلمنامه های زیادی به مارال پیشنهاد می شد و اتفاقا گمان نمی کردم که این پیشنهاد را قبول کند ولی در نهایت این پیشنهاد را مطرح کردم. البته کمی خودخواهی هم در آن وجود داشت چون گمان می کردم آن صحنه ها به نفع بازی من خواهد بود، چون این اولین بار بود که برای عالی رتبه ترین مقام نظامی کشور فیلمی ساخته می شد و اگر می توانستم صحنه های عاطفی و خصوصی ترین لحظات شهید با خانواده اش را با همسر خود بازی کنم، همه چیز بسیار طبیعی از کار در می آمد و نیازی نبود آن نقش را بسازم؛ به همین دلیل هم هست که این سکانس ها را همه تماشاگران دوست دارند و این واقعی و باور پذیر بودن لحظه ها برای مخاطب به این دلیل است که صحنه ها ساختگی نیست و گرچه تعداد این صحنه ها در ظاهر کم است ولی بسیار تاثیر گذار هستند و خود خانم بنی آدم نیز به این صحنه ها حس بسیار مثبت و خوبی داشت.

کدام یک از ویژگی های سپهبد صیاد شیرازی برای شما جذاب تر بود و جذب آن ویژگی شدید؟

ایشان ویژگی های متنوع و جذاب بسیاری داشتند و این شانس زندگی من بود که با این فیلم توانستم بیشتر با این شهید آشنا شده و بفهمم که چنین فردی در این کره خاکی زندگی می کرده و از این بابت خدا را شاکرم. این شهید در یک سخنرانی نکته ای را بیان می کند که اعتقاد راسخ قلبی ایشان بوده، او گفته بود: «کاری که برای خدا باشد شکست در آن نیست». او با این اعتقاد زندگی می کرد و این وجهه از زندگی و اعتقاد ایشان برای من بسیار تاثیر گذار بوده است.

کدام یک از صحنه های فیلم برای شما تاثیر گذار تر بوده است؟

من فیلم را بارها دیده ام و هنوز بعد از این مدت ها لحظه ای که شهید صیاد جمله معروفشان را به بنی صدر می گویند و خلع درجه می شوند و این موضوع بلافاصله با صحنه داخل خانه کات می خورد، برایم به شدت تاثیر گذار است و هنوز وقتی این صحنه را می بینم دلم می شکند، هم افتخار می کنم و هم بغض می کنم.



جواد افشار پیشنهاد بازیگری نقش همسر صیاد را به خانم بنی آدم مطرح کرد و خواست این موضوع را در ابتدا من به او منتقل کنم. با این حال چون نقش ایشان در این فیلم کم بود و فیلمنامه های زیادی به مارال پیشنهاد می شد و اتفاقا گمان نمی کردم که این پیشنهاد را قبول کند

را داشت. درباره لوکیشن ها و کار کردن در فضایی نظامی و تجربیات خودتان از این نقش بگویید.

برای این نقش مجبور شدم حدود ۱۴ کیلو وزن کم کنم و باید این وزن را در طول فیلمبرداری که دقیقا سه ماه بود حفظ می کردم، چون ایشان به شدت در پوشش خود حساس بودند که لباس حتما خط اتو داشته و آراسته باشد و اگر اضافه وزن پیدا می کردم لباس نظامی به خوبی در تم نمی نشست و برای اینکه روحیه اجرای این نقش را حفظ کنم همواره خودم را در آن فضا قرار می دادم. اگر چه لوکیشن ها در مناطق جنگی بود ولی جنگ واقعی که نبود و برای اینکه حس و حال آن شرایط را برای خود ایجاد کنم، سعی کردم در طول مدت فیلمبرداری کمترین استراحت را داشته باشم و همواره در صحنه فیلمبرداری و اطراف آن حضور یابم و مدام صدای مستندهای شهید را می شنیدم تا آن حال و هوارا حفظ کنم.

الان که خودتان فیلم را می بینید یا واکنش مخاطبان را در سینماها مشاهده می کنید، فکر می کنید این فیلم و شخصیت صیاد چقدر توانسته است فضا سازی لازم در روزهای جنگ و شرایط آن دوره را به مخاطبان القا کند؟

باتوجه به باز خورد و کامنت هایی که از مردم می گیرم به نظر می رسد فیلم «صیاد» صدر صد در این مورد موفق بوده ضمن اینکه این فیلم به شرایط امروزی کشور مبنی بر وحدت ملی نیز بسیار نزدیک است.

گرچه حدود ۷ ماه درگیر این نقش بودم و این نقش دل مشغولی و زندگی ام شده بود، ولی واقعا انرژی از من نگرفت. با وجود اینکه پروژه بسیار طاقت فرسا و سختی بود ولی لحظه به لحظه آن برای من جذاب و استودنی بود، چون شخصیتی را بازی می کردم که قلبا و روحا دوستش داشتم و این به من انرژی می داد. تصاویر و ویدئوهای زیادی از شهید صیاد شیرازی وجود داشت تا به رفتارها، آکسان کلمات، لحن، تکه کلامها، حالت چشم ها و... شهید صیاد شیرازی نزدیک تر شوم ولی آنچه من سعی کردم کشف کنم کل شخصیت ایشان در لباس رزم، اتاق عملیات و خانواده بود و حتی اگر یک درصد به این هدف دست پیدا کرده باشم برای من موفقیت محسوب می شود.

مثل آن صحنه بر جسته ای که از شدت ناراحتی دندان های پتان را به هم می فشردید...

بله، یک ویدئو سخنرانی از حدود هفت سال آخر زندگی شهید صیاد دیدم که در باره عملکردهای بنی صدر صحبت می کنند. در آن ویدئو به شدت خشم ایشان در چهره، صدا و لحن شان مشخص می شود و تصویری که از این لحظه در ذهن خودم طراحی کردم، به صورت ناخود آگاه تصویری در ذهن من شکل گرفت که موجب شد در موقعیت های مشابه این لحن، حرکات و فکت بروز پیدا کند.

شرایط حضور و فیلمبرداری در لوکیشن های جنگی، به ویژه برای نقشی مثل صیاد شیرازی که پخش زیادی از داستان در جبهه ها می گذشت، حتما چالش های خاص خودش